

رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگوی اختصاصی با ماهنامه انجمن پسته ایران مطرح کرد:

وزارت نیرو تخلف کرده؛ نه مردم!

شد که به طور مستقیم با کشاورزی مرتبط بود. سال ۱۳۸۹ قانون افزایش بهره‌وری به تصویب رسید. ارزیابی شما این بود که این قانون می‌تواند منشأ ورود تحولات اساسی به کشاورزی ایران باشد. چرا اینطور نشد؟ متأسفانه این قانون در حد ده درصد ظرفیتش اجرایی شد و به نظر می‌رسد دولت تعلل کرده است. البته ما در مجلس در سال ۹۲ روی نظارت بر اجرای این قانون کارهای جدی را دنبال کردیم و قطعاً برای عملیاتی شدن همه‌ی مواد و مفاد این قانون، تلاش خواهیم کرد. اعتقادم همچنان این است که اگر وزارت جهاد کشاورزی در دولت یازدهم فقط همین قوانین را اجرایی کند و هیچ کار دیگری نکند، یعنی هیچ نوآوری نکند و هیچ تحول آفرینی دیگری نکند، این چند قانون از جمله قانون برنامه پنجم، قانون افزایش بهره‌وری، نظام جامع دامپروری و قانون مربوط به تمرکز وظایف کشاورزی در وزارت جهاد کشاورزی که به قانون انتزاع موسوم شد، را اجرایی کند، تحولات عظیمی در بخش کشاورزی اجرا خواهد شد.

سپهر یک قانون هم مجلس داشت مبنی بر به رسمیت شناختن چاه‌های غیرمجاز! این قانون را چطور ارزیابی می‌کنید؟

ما چاه‌های غیرمجاز را نمی‌خواهیم به رسمیت بشناسیم. ما داریم ساماندهی می‌کنیم. اعتقاد من این است که وزارت نیرو هنوز این قانون را عملیاتی نکرده است.

سپهر و شما معتقدید که این قانون باید عملیاتی شود؟

بله؛ کمی توضیح می‌دهم که چرا این قانون مفید است. تمام چاه‌های مجاز و دارای پروانه، افزون بر پروانه‌شان دارند آب برداشت می‌کنند. در این قانون گفتیم که همه‌ی چاه‌ها باید دارای یک کنتور حجمی باشند. معنایش این است که اندازه ظرفیت پروانه‌ی چاه، برداشت صورت بگیرد. دوم اینکه چه بخواهیم چه نخواهیم، متأسفانه امروز چاه‌های غیر مجاز و قابل پروانه دارند آب برداشت می‌کنند و هیچ کس هم نمی‌داند چقدر برداشت می‌کنند. این قانون تعریف کرده که اولاً بررسی کنند که چقدر می‌توانند به چاه‌های فاقد پروانه اجازه دهند که طبیعتاً خیلی بخواهند به آن‌ها ارفاق کنند یک دهم چیزی است که برداشت می‌کنند؛ چون در دشت‌های ممنوعه است. دوم

مناسبتی طراحی کرد تا همچنان در دنیا مطرح باشد. در مجموع بایستی تشکر کنم از انجمن پسته ایران برای این برنامه؛ هم از نظر پذیرایی، مکان، تشریفات کار و هم از نظر محتوای همایش. **سپهر** از منظر کارشناسی به خود شما هیچ کمکی کرد؟ یعنی از نظر شما مطالب قابل تأمل بود؟

مطالبی که مطرح شد به خصوص در قسمت مارکتینگ خوب بود. موضوعات دیگری مثل مباحث تخصصی آب و مسائل مربوط به حوزه‌ی باغداری و ... در سایر مقوله‌ها هم مطرح است. ولی در بُعد مارکتینگ پسته، به نظر من رسید که مطالبی که ارائه کردند می‌تواند برای برخی از مسائل راه گشا باشد. مثلاً سهم بازار ما در مقایسه با ایالات متحده آمریکا، نکته قابل توجه و تأملی است. این سهم بازار ایران متأسفانه از رتبه‌ی یک خیلی فاصله می‌گیرد و نشان می‌دهد که ما برای این، باید راهکارهای جدی پیدا کنیم. دوم کمیت تولید است. البته از نظر کیفیت تولید، اعتقاد من این است که همچنان رتبه یک دنیا هستیم. ولی از نظر کمیت در واحد سطح بایستی کار جدی کنیم. رکوردهای خوبی در ایران داریم، بایستی متوسط کشور را هم به سطح رکورد افزایش دهیم. با این حساب به نظر می‌رسد نکاتی که در مباحث مطرح شد، می‌تواند راهکار عملیاتی برای رسیدن به این نقطه باشد. یک نکته‌ی دیگری که بایستی به آن بپردازیم خود انجمن است. اعضای انجمن پسته ایران عمدتاً از باغداران استان کرمان هستند؛ ولی ما در جاهای دیگر هم پسته داریم. اگر ما نتوانیم همه‌ی باغداران پسته در سراسر کشور را در این رابطه مجتمع کنیم و از پتانسیل و مجموعه مباحثشان استفاده نکنیم، طبیعتاً آسیب خواهیم دید. وقتی که ما یک انجمنی را تعریف می‌کنیم، بایستی مردم باغدار استان سمنان و شهرستان دامغان باشند، مثلاً زرننده ساوه یا استان‌های دیگری مثل خراسان که در زمینه‌ی پسته کارهایی انجام دادند، حتماً بایستی حضور داشته باشند. باید دایره این انجمن را سریع‌تر فراگیر کنند تا همه‌ی نیروها در اینجا مجتمع و استفاده شود. این همان تجربه‌ای است که آقای آمریکایی هم به آن اشاره‌ای داشتند و در صحبت‌های همه‌ی اساتید هم بود که در این زمینه باید یک کار متمرکز و سطح بالایی انجام شود.

سپهر آقای رجایی! در مجلس قوانینی مصوب



ماهنامه پسته - رئیس کمیسیون کشاورزی آب و منابع طبیعی، ادوار هفتم و هشتم و نهم مجلس شورای اسلامی است. نماینده استان اراک، کمیجان و خنداب در مجلس شورای اسلامی است و در عین حال رئیس فراکسیون صنایع غذایی مجلس هم هست. پیش از آن هم مدیر طرح و برنامه جهاد کشاورزی بوده است. با عباس رجایی در خصوص کشاورزی ایران و برخی قوانین مصوب مجلس در این حوزه به گفت‌وگو نشستیم که حاصل آن پیش روی شماست.

سپهر آقای رجایی! گردهمایی دوم انجمن پسته ایران را چطور دیدید؟

البته من همایش اول را چون نبودم نمی‌دانم چگونه برگزار شد و چه موضوعاتی مطرح شد. ولی همایش دوم هم کیفیت برگزاری خوب بود و هم افرادی که شرکت کرده بودند، از باغداران پیشرو در حوزه پسته بودند. علاوه بر آن، سطح مطالبی که مطرح شد قابل توجه و تأمل بود. به نظر می‌رسد که بایستی برای آینده‌ی پسته فکر اساسی‌تری کرد و برای این ثروت ملی راهکارهای



اشاره کرده بودید سرمایه‌گذاری خارجی است. با چه مکانیزمی فکر می‌کنید می‌شود سرمایه‌های خارجی را جذب کشاورزی ایران کرد؟

ما در قانون برنامه پنجم ماده‌ای تحت عنوان شرکت شهرک‌های کشاورزی آوردیم. بحث و هدف من از اینکه این ماده را در قانون آوردیم و تعبیه کردیم این بود که مقیاس کشاورزی را بزرگ کنیم. وقتی این مقیاس بزرگ شود بایستی در مباحث مختلفش سرمایه‌گذاری مناسب صورت بگیرد. صحبت از مکانیزاسیون مطرح است. الان در کشاورزی مکانیزاسیون اصلاً معنا ندارد. این‌که ما یک تراکتور یا یک کمباین را می‌آوریم و وقتش را تلف می‌کنیم، به جای اینکه بتواند کارهای بزرگ انجام دهد، از تراکتور برای سواری و برای بار بردن استفاده می‌کنیم، اسمش مکانیزاسیون نیست. مکانیزاسیون زمانی مفهوم دارد که مقیاس کشاورزی، مقیاس معناداری باشد. ما در شرکت شهرک‌های کشاورزی به دنبال این هدف هستیم که کشاورزی کشور را به سمت و سویی ببریم که مقیاسش بزرگ شود. بتوانیم علمی روی آن کار کنیم، تکنولوژی رویش سوار کنیم.

این شرکت‌ها زیر مجموعه‌ی جهاد کشاورزی می‌شوند؟

زیر مجموعه‌ی جهاد کشاورزی است. خودش یک ساز و کار است. شرکت شهرک‌های کشاورزی هم در وزارت جهاد کشاورزی درست شده است و خوشبختانه از ابتدای امسال شروع به کار کرده است. این شرکت شهرک‌های کشاورزی شرویشان با کشت و صنعت‌ها و تعاونی‌های تولید است. ولی من اعتقادم این است که در آینده باید کاری کنیم که اولاً مقیاس کشاورزی ما بزرگ شود، دوم مالکیت و مدیریت از هم جدا شود، سوم سرمایه‌گذاری و تکنولوژی روی آن فراهم و سوار شود.

فکر می‌کنید این شرکت‌های دولتی‌ساز کمکی‌کند؟

اصلاً دولتی نباید باشد. به صورت غیر دولتی است. شرکت شهرک‌های کشاورزی که بسترش در وزارت جهاد است، بسترش دولتی است. ولی قرار است که شهرک‌های کشاورزی غیر دولتی درست کند. بحث، بحث دولتی نیست.

به هر حال نوعی از مداخله دولت است در اقتصاد کشاورزی!

نه؛ باید این را به مردم آموزش داد. وقتی آموزش دادیم خودشان راه را پیدا می‌کنند و جلو می‌روند.

اجتماعی را حل می‌کردیم. وقتی که نیروی انتظامی به دستور مقامات مربوط به آب استان‌ها، می‌رود چاهی که زیر دستش کشت سبز است پر می‌کند و شورش و مسائلی از این دست ایجاد می‌کند، اگر این فراگیر می‌شد بحران اجتماعی درست می‌کرد. شما نمی‌توانید به جوانی که برایش کار درست نکرده‌ام و امروز می‌خواهد زندگی تشکیل دهد و اموراتش را بگذراند، بگویید که شما حق این کار و حق آن کار و حق ... را ندارید. هیچ مجموعه‌ای که بایاد و ایشان را از نظر اجتماعی بیمه کند هم وجود ندارد؛ بیمه بیکاری هم که نمی‌گیرد؛ بیمه شغل نداشتن هم که نمی‌گیرد؛ هیچ چیزی وجود ندارد و بعد ادعا کنیم که شما حق ندارید؛ نمی‌شود از قید حیات هم ساقطش کنیم؛ این که نمی‌شود. وقتی بخوایم مباحث کشور را تدبیر کنیم باید همه امور را با هم ببینیم. همانطور که گفتیم به مردم می‌گوییم که بروید کشاورزی کنید؛ هم از آنطرف اجازه نمی‌دهیم زمین داشته باشند و هم اجازه نمی‌دهیم آب داشته باشند؛ اینطوری که نمی‌شود.

اما خود شما اذعان کرده بودید که بخش کشاورزی کشور از بیکاری پنهان رنج می‌برد. چرا فکر می‌کنید هنوز زمینه اشتغال در کشاورزی هست؟

برای اینکه ما همیشه فقط برای یک سوم سرزمین فکر کردیم. به ظرفیت‌های جدید و برنامه‌ریزی‌های جدید اصلاً فکر نکردیم.

چه ظرفیت‌های جدیدی؟ منظورتان از آن دو سوم، کدام مناطق ایران است؟

مجموعه مناطقی که تحت عنوان اراضی کم بازده و بیابان‌ها و مناطقی که در حاشیه کویری قرار دارند. وقتی امروز می‌توانید با استفاده از روش کشت هیدروپونیک گلخانه‌ای روی سنگ هم تولید محصول کشاورزی کنید، روی پشت بام خانه هم می‌توانید این کار را بکنید، چه دلیلی دارد که در بیابان‌هایمان این کار را نکنیم؟ حداقل می‌توانیم این ادعا را بکنیم که از نظر انرژی می‌توانیم ذخیره‌ی انرژی را دنبال کنیم. می‌توانیم از آب‌های غیرمتعارفشان استفاده کنیم و به این لحاظ، اعتقاد من این است که اگر جمعیت را همچنان در آن یک سومی که از قدیم کشاورزی در آن صورت می‌گرفته، شیفت دهیم، بیکاری پنهان را افزایش می‌دهیم ولی اگر برای کل سرزمین برنامه‌ریزی کنیم نتیجه عکس خواهد شد.

در مورد سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی ایران یکی از راهکارهایی که شما

اینکه گفتیم حتماً باید آبیاری نوین و تحت فشار استفاده شود. سوم کنتور حجمی داشته باشند و تعدادی از آن‌ها که شرایط لازم در قانون را ندارند مصلوب‌المنفعه شوند. یعنی اگر در حریم چاه دیگری است و مشخصاتش با شرایط اقلیم نمی‌خواند، همه مصلوب‌المنفعه شوند. همین کار را اگر انجام دهیم دست کم ۲۰ درصد آب را بیشتر صرفه جویی کرده ایم.

به قانون‌شکنان هم جایزه ندادیم؟

نه؛ من اعتقاد ندارم. ما کم کاری دولت در زمینه تأمین آب را نباید به حساب مردم بگذاریم. از یک طرف داریم همه را تشویق می‌کنیم که بروند کار کشاورزی و تولید کنند. پس باید زیر ساخت‌هایش را هم فراهم کنیم. وقتی فراهم نکنیم، طبیعی است که چنین اتفاقی می‌افتد. همین بحث در مورد شهرداری‌ها هم مطرح است. اگر شهرداری‌ها جلوتر از مردم نروند و ساختارهای شهری را تعریف نکنند، مردم مسکن نیاز دارند و بالاخره می‌آیند و مسکن‌شان را می‌سازند. ما نمی‌گوییم که مردم خلاف کردند، می‌گوییم که دولت خودش را نرسانده است. در بحث آب هم اعتقادمان این است که وزارت نیرو تخلف کرده، نه مردم! اگر وزارت نیرو کاری می‌کرد که دشت‌های ممنوعه‌ی ما ممنوعه نباشد، نیاز نبود که مردم کار غیر مجاز انجام دهند. روی این حساب اعتقاد ندارم که این را جایزه به تخلفات نام بگذاریم.

اگر تبعات این طرح نتیجه‌ای مثل نهضت حفر چاه باشد، چه؟

برای اینکه این اتفاق نیفتد آمدیم در قانون چی گفتیم؟ به نظرم می‌رسد که قانون برای رسانه‌ها و مردم درست تشریح نشده است. مثلاً این تکه قانون که می‌گوید چاه باید حتماً قبل از سال ۸۵ حفر شده باشد و در وزارت نیرو قبل از آن سال‌ها ثبت شده باشد و دارای پرونده باشد. بنابراین هر چاهی که ثبت نشده باشد، حتی اگر قبل از این سال‌ها هم باشد در این محدوده قرار نمی‌گیرد.

این محدودیت زمانی تا به حال دو بار عوض شده است. خیلی‌ها به دنبال حفر چاه رفتند به امید اینکه بار سومی هم مجلس چنین قانونی را به تصویب خواهد رساند. حتی برخی از کارشناسان انگشت اتهام به سمت نمایندگان مجلس دراز کردند که می‌خواهند با این اقدام‌شان رأی بخرند. چه پاسخی دارید؟

ما که جزء تصویب کنندگان این طرح بودیم، دنبال رأی خریدن نبودیم. اتفاقاً ما داشتیم یک بحران